



حکومت نظامی در قباله
دموکراسی | ۴

۱ | هااااپولی!

عصر انتقام | ۱۰

۸ | جوجه سیم مرغ جوان

جوزف از سنا تا پنتاگون | ۱۵

۱۴ | ثروتمندان از امتحان
الهی سرفراز بیرون بیایید

ب لمس هر کدام از تیترها مستقیماً به آن مطلب منتقل خواهید شد

نشریه گفت‌مان انقلاب اسلامی | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

سال هشتم: شماره صد و نود و هفتم | ۱۹۷ | ۴ بهمن ماه ۱۳۹۹



||| سرمقاله فتح

هااااپولی!

مروری بر کارنامه درخشان آقایان در بورس

بازار سرمایه، باید انعکاس واقعیت‌های اقتصادی کشور باشد. به گونه‌ای که وضعیت کلان اقتصاد به مثابه‌ی دستی است که بازار سرمایه را در مشت خود گرفته است. اگر واقعیت‌ها روبه رشد باشد و دست اقتصاد بالا رود، بازار سرمایه نیز باید روبه رشد باشد و حرکتی روبه بالا داشته باشد. اما وقتی بازار سرمایه این واقعیت‌های اقتصادی را منعکس نمی‌کند، نشان دهنده‌ی این است که

بازار سرمایه دچار یک حالت موقت و گذرا شده است و سرنوشت آن مستقیماً در دست تصمیمات دولت و نهادهای نظارتی است. هرچه میزان تاثیر شرایط فعلی بازار سرمایه بر دیگر بخش های اقتصاد بیشتر باشد، سیاست ها نیز باید با دقت نظر و تدبیر بیشتری مقرر شوند. با آنکه به نظرمی رسید در پسندها و یارانش در وزارت امور اقتصادی و دارایی، با طرح کریدور سوم، یعنی تأمین مالی از طریق بورس، برنامه‌ی جامع و دقیقی برای قرارداد دادن بازار سرمایه در مسیر جهش تولید دارند، پس از گذشت اندکی از اجرای برنامه‌های کریدور سوم، دولت و شرکت‌های زیر مجموعه اش سهام خود را بر سر مردم آوار کردند و مردم تازه وارد و هیجان زده به این بازار را رها! به روایتی وعده‌ی حمایت‌های بی بدیل دولت از سهامداری ملت، یک به یک پوچ از آب درآمد و کارشناسان نیز که بر مبنای همین وعده‌ها تحلیل ارائه می کردند نیز دچار تحلیل‌های غلط شدند و بعضاً خط اشتباه به سرمایه‌گذاران دادند و اعتماد مردم به دولت، بار دیگر به اعتراض‌ها رو به روی ساختمان بورس ختم شد و شعارهایی برای پس گرفتن حق شان! متأسفانه باید اذعان داشت در سایه‌ی بی تدبیری دولت، بخش زیادی از نقدینگی مردم در بازار سرمایه حبس یا از بین رفته است و این امر، موجب کاهش پس انداز و درآمد قابل تصرف و در نتیجه کاهش قدرت خرید مردم را فراهم نموده است. باید توجه کرد چنانچه دولت پای بی تدبیری خویش را از گلوی بازار سرمایه بر ندارد در توالی کاهش قدرت خرید مردم، باید منتظر شوک دیگری از طرف تقاضا بر بازار و تعمیق رکود اقتصادی کشور باشیم که اکنون لایه‌های سیاسی و امنیتی نیز پیدا کرده است. جناب رئیس جمهور و دستیاران اقتصادی اش، باید



جای انتساب عملکرد حساب نشده‌ی خویش به قانون اساسی و سیاست‌های اصل ۴۴، پاسخ بدهند که چرا امید مردم را که با دعوت و وعده‌ی دولت برای حفظ ارزش پولشان، به بازار سرمایه آمدند ناامید کرده‌اند و سرمایه‌هایشان را به باد فنا داده‌اند. همان‌طور که در روزهای رشد حباب وار بورس گفتند همه‌ی دارایی‌هایشان را به بورس بسپارید، امروز هم، در روزهای سقوط آزاد بورس پاسخگوی عملکرد خویش باشند و جواب سرمایه‌های از دست رفته‌ی مردم را بدهند! آن روز که جناب رئیس جمهور در رابطه با نوسانات بازار گفتند باید از ناهماهنگی‌ها در اظهار نظرها



و اقدامات اجتناب نمود، اکنون پاسخ بدهند چرا خود به نماد ناهماهنگی در تصمیمات تبدیل شده‌اند. ناهماهنگی‌هایی که خود را در عرض‌ی

پالایش یکم، قیمت گذاری دستوری فولاد و نرخ ارز به خوبی نشان داد. **چاره جز این نیست که دولت، به عنوان بازیگر اصلی بازار سرمایه در کشور دست از گفتار درمانی و دادن شعارهای حمایتی غیر عملی از پشت دوربین‌ها و تریبون‌ها بردارد و جای کینه‌توزی و سیاسی کاری‌ها و ایستادن مقابل نمایندگان ملت، به فکر چاره‌ای عملی و واقعی برای حل معضلات جدی موجود در بازار سرمایه باشد و با کمک کارشناسان مربوطه و نمایندگان مردم، این تیغ تیز را از گلوی اقتصاد کشور، معیشت مردم بردارد!**



حکومت نظامی در قباله دموکراسی

پادشاه لُخت است، باور کنید!!

یادداشت تحلیلی

قضایای انتخاباتی چندماه اخیر، حقیقتاً برای حاکمیت ایالات متحده آمریکا فضاحت بار بوده است. انتخاباتی که از پیش از برگزاری درباره تقلب گسترده در آن از سوی افراد مختلف از جمله رئیس جمهور مستقر (ترامپ) سخن گفته می شد. بعد از انتخابات نیز این جنجال ها و دعوایها به صورت گسترده تر ادامه پیدا کرد که پرده آخر آن حمله

به کنگره و تسخیر ساختمان آن در روز شمارش آرای الکترا بود که البته با برخورد خشن نیروهای



نظامی و امنیتی مواجه شده و طبق آمار رسمی چند نفر کشته و چند صد نفر بازداشت شدند. در ادامه شاهد بودیم که با نزدیک شدن به روز تحلیف جو بایدن، در واشنگتن حکومت نظامی و منع رفت و آمد وضع شده و اطراف کنگره نرده های بلند حفاظتی نصب شد. برای مراسم تحلیف نیز علاوه بر حضور



پلیس و نیروهای امنیتی، ۲۵۰۰۰ نیروی گارد ملی آمریکا از ترس حمله به کنگره در واشنگتن مستقر شدند که آن را عملاً به یک پادگان نظامی بزرگ تبدیل کرد و برخی از مردم نیز از ترس در مقابل خانه و مغازه‌های خود دیواره‌های حفاظتی نصب کردند.



صحنه‌هایی که به قول خود آمریکایی‌ها در عراق و افغانستان دیده شده بود و باور نمی‌کردند که روزی پایتخت آمریکا به این روز بیفتد. مجموع این حوادث - به اعتراف خود سیاستمداران و نخبگان آمریکایی - باعث شکسته شدن هیمنه پوشالی بت بزرگ استکبار و مضحکه و بی‌اعتبار شدن شعارهای لیبرال دموکراسی آمریکایی شده است. اما متأسفانه جریانی در داخل کشور وجود دارد که نمی‌تواند و نمی‌خواهد قبول کند



که این پادشاه، لخت است و آبرویی ندارد. در اتفاقات اخیر شاهدیم که جریان غرب پرست داخلی سعی در توجیه اتفاقات آمریکا دارد و حتی بالاتر، این حوادث را نشانه بلوغ دموکراسی و رابطه مطلوب هیات حاکمه آمریکا با ملت آن می‌داند!! این جریان که متأسفانه دولت را نیز در اختیار دارد، بدی‌های آمریکا را به شخص ترامپ تقلیل می‌دهد و می‌بینیم دائماً از بدی او سخن گفته و از رژیم ترامپ (نه کلیت نظام حاکم آمریکا) انتقاد می‌کند. نکته جالب این است که در مقابل ترامپ بد نیز پاسخ قاطع و دندان‌شکنی در این چندساله نداده و همواره با انفعال و ترس با او روبرو شده‌اند که نمونه‌اش از خروج آمریکا از برجام تا ترور شهید سلیمانی به وضوح آشکار است. مثلاً وزارت فخیمه خارجه در اقدامی انقلابی! دقیقاً در روز آخر دولت ترامپ، او و ۸ نفر از دولتمردان فعلی و گذشته‌اش را تحریم کرد. آقایان اگر قصد اقدام متقابل در مقابل تحریم مقامات کشورمان را داشتند چرا در همان موقع این کار را نکردند و حالا که این مقامات آمریکایی به آخر خط رسیده‌اند به فکر تحریم شان افتاده‌اند؟ اقدام مضحکی که وزارت خارجه آمریکا نیز با لحنی تحقیرآمیز رسماً اعلام کرد آن را در حد توجه و پاسخ نیز نمی‌داند. این جریان برای آمدن بایدن لحظه شماری کرده و رفع مشکلات را به آمدن او حواله می‌دهد و شاهد بودیم که جناب



روحانی با لحن ملتمسانه از دولت جدید آمریکا خواست که با «یک امضا» به گذشته صلوات فرستاده و دوباره به برجام و مذاکره برگردد. اکنون هم جنابشان افاضه می‌فرمایند که: همانگونه که شاه سرنگون شد، ترامپ هم نابود شد و همچنین دولتمردان جدید آمریکا سیاست را می‌فهمند. پس حتما در نظرایشان بایدن هم «فرشته» ای است



که با رفتن «دیو»،
از در می‌آید! زهی
خیال باطل وزهی
حماقت. چنانچه
از شواهد و قرائن
و برخی سخنان
رئیس جمهور

برمی‌آید و سابقه این جریان پست و خائن نشان می‌دهد کاملاً محتمل است که معیشت مردم را نیز به خاطر منافع سیاسی شان گروگان گرفته و بازیچه قرار دهند و مثلاً باروی کارآمدن دولت بایدن، قیمت دلار را پایین بیاورند تا به جامعه پالس مذاکره داده و در انتخابات نیز با این شعار وارد شده و مانند دوره‌های قبل، برای مردم دوقطبی‌های ساختگی درست نمایند تا از این آب گل‌آلود باز ماهی متعفن و نجس خود را صید کنند. امیدواریم با هوشیاری ما و بیداری عموم مردم، این حيله‌ها نقش بر آب شده و شر غرب پرستان وطنی از سرملت ما کم و کوتاه گردد.



جوجه سیمرغ جوان

یادداشت کارشناس

اتفاقا خیلی هم خوب است پوست انداختن؛ به خصوص اگر نسل عوض شده باشد و جوان‌ها قد کشیده باشند. حالا که نسل جوانان فیلمساز پا به عرصه گذاشته‌اند و خیلی زود نام خود را در میان بزرگان سینما بر سر زبان‌ها انداخته‌اند، وقتش رسیده که این نسل نو، رنگ جشنواره را بیش از پیش جوان‌پسند کنند. اما این همه مسأله نیست! **ماجرا از آنجا شروع می‌شود که سنگ محک خود محک نخورده باشد! همان ترازویی که بناست معیار باشد و ریز و درشت را به صف کند و خوب و بد را از هم جدا کند، کارش بلنگد! هیأت داوران جشنواره فیلم فجر، یعنی جمع بزرگانی کارکشته که خود سال‌ها در این کارزار جنگیده‌اند و بارها سیمرغ بلورین را صید کرده‌اند. کسی که بناست بر جایگاه قضاوت و داوری دیگران بنشیند، پیر طریق باید و استاد فن. کی و کجا جوان‌گرایی راه خود را از کرسی داوری بزرگان و منصب قضاوت دیگران آغاز کرده است؟ مگر نه این است که کوله‌بار تجربه لازم است و مقبولیت؟ سی و نهمین سیمرغ را بناست کسانی به پرواز درآورند که خود هنوز راه نیپموده‌اند و قله‌ای فتح نکرده‌اند. نام جوانان به میان آمده تا رنگ جشنواره را جوان‌پسند کند، حالا اما بزرگان باید به کناری بنشینند و خیره به نتایجی باشند که نه پختگی**



کهنسالان را دارد و نه مقبولیت بزرگان را. سیمرغ سی و نهم بردوش هر هنرمندی که بنشیند، سایه تردید نیز بر سرش سنگینی خواهد کرد. آنجا که بناست تجربه و کارآزمودگی و پختگی به کار آید، جوان‌گرایی قد علم می‌کند و آنجایی که بناست شجاعت و نشاط و خلاقیت جوانانه گره‌گشا باشد، پیرمردان سیاست کرسی قدرت را می‌چسبند و نوبت به جوان‌ها نمی‌رسد. دولتی که در واپسین روزهای خود، گرفتار کارنامه‌ای سراسرننگ و ناکارآمدی و تنبلی است، حالا جوانان را چهره خود قرار داده! آن زمانی که پیرمردانی فرتوت بر در مجلس صف کشیده بودند تا با رأی اعتماد راهی پاستور شوند، جوان‌گرایی به کار نمی‌آمد؟ وزرایی هفتاد ساله و رئیس جمهوری کهن سال، که راهبردی جز صبر و سکوت در برابر مشکلات مردم نداشتند، حالا که نوبت به فرهنگ رسیده، به راحتی تجربه را به پای ناپختگی ذبح می‌کنند! هرچه هست، آب رفته به جوی باز نمی‌گردد! دولتی که با مدیرانی فرتوت کشور را به این حال و روز انداخته، آبرویی ندارد که بخواهد با این نمایش‌ها آن را بازگرداند! اگر به دنبال جوان‌گرایی واقعی هستید، لطفاً از کرسی قدرت دل بکنید!



سفر بهشت و دل‌نمیس



عصر انتقام

یک سال از ترور فرماندهان بزرگ مقاومت می‌گذرد و هزار چندگانه‌ی دامنه تحلیلات نسبت به کم و کیف انتقام‌گیری از عاملان این ترور افزایش می‌یابد. گاهی این تحلیلات پس از وقوع اتفاقات میدانی شدت می‌گیرد، مانند تله انفجاری برای کاروان نظامیان آمریکایی در عراق؛ و گاهی نیز سیر تحلیلات به سمتی می‌رود که از عدم تقاص قاطعانه جمهوری اسلامی تاکنون، برداشت‌های متفاوتی می‌شود، از ضعف جمهوری اسلامی در برابر آمریکا گرفته تا صبر استراتژیک و امکان‌سنجی عملیات انتقام سخت، ریز و درشت تحلیلاتی است که مخالفان و موافقان جبهه مقاومت به آنها می‌پردازند. تحلیل دیگری در این زمینه وجود دارد که روند این انتقام را از لسان فرماندهان مقاومت بیان می‌کند. در دوره جدید نبردهای نظامی و اطلاعاتی بسیار معمول است که هریک از طرفین نزاع، صحبت‌ها و جهت‌گیری‌های فرماندهان رصد شود تا از خطوطی که آنها در صحبت‌هایشان ترسیم

درسیر زمانی اکنون
ساماندهی و اجرا
پاسخ مقاومت به
قاسم سلیمانی و



شود و برنامه‌هایی
تا موعد عملیات
گردد. در خصوص
ترور شهید حاج

ابومهدی المهندس، مروری به سخنان فرماندهان مقاومت داشته‌ایم تا روندی که قرار است در مسیر آینده مقاومت طی شود را بررسی نماییم. **مصاحبه سیدحسن نصرالله با شبکه المیادین و یک هفته بعد از آن بیانات ایشان در مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم و حاج ابومهدی و همراهانشان ترسیم کننده این خطوط و مانیفست مقاومت برای روند انتقام گیری را ترسیم می‌کند:**



اول؛ زمزمه‌های ناامیدی از جبهه مقاومت وضعف داشتن آن به کلی مطرود است و درواقع عملیات انتقام‌گیری

قطعی و مسلم است: "قاعدتا بالاخره روزی نبردی صورت خواهد گرفت اما صحبت‌مان الآن درباره‌ی این برهه‌ی زمانی است." **دوم؛ دیدگاه تهدیدی و وجود ضعف درجبهه مقاومت، فشار روانی و شناختی جبهه استکبار است:** "وقتی می‌بینید اسرائیلی‌ها بسیار تهدید می‌کنند و فریاد می‌کشند، بدانید که پشت این‌ها هیچ چیز واقعی‌ای وجود ندارد."



سوم؛ قصاص دشمن علاوه بر ایران، در اولویت سراسر جبهه مقاومت است: "پس از اینکه امام خامنه‌ای فرمود حلقه قاتلان شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس، از آمران و اجرا کنندگان رامشخص کنید، درست است که این مسئولیت ایرانیان در وهله اول باتوجه به حاج قاسم و عراقی‌ها در وهله اول باتوجه به حاج ابومهدی است، اما من می‌خواهم آنچه را که چند روز پیش در المیادین گفتم تکرار کنم. این امر همچنین مسئولیت هرآزاده، شریف، مقاوم، مجاهد و وفادار در جهان است که در اجرای این مجازات شریک باشند."

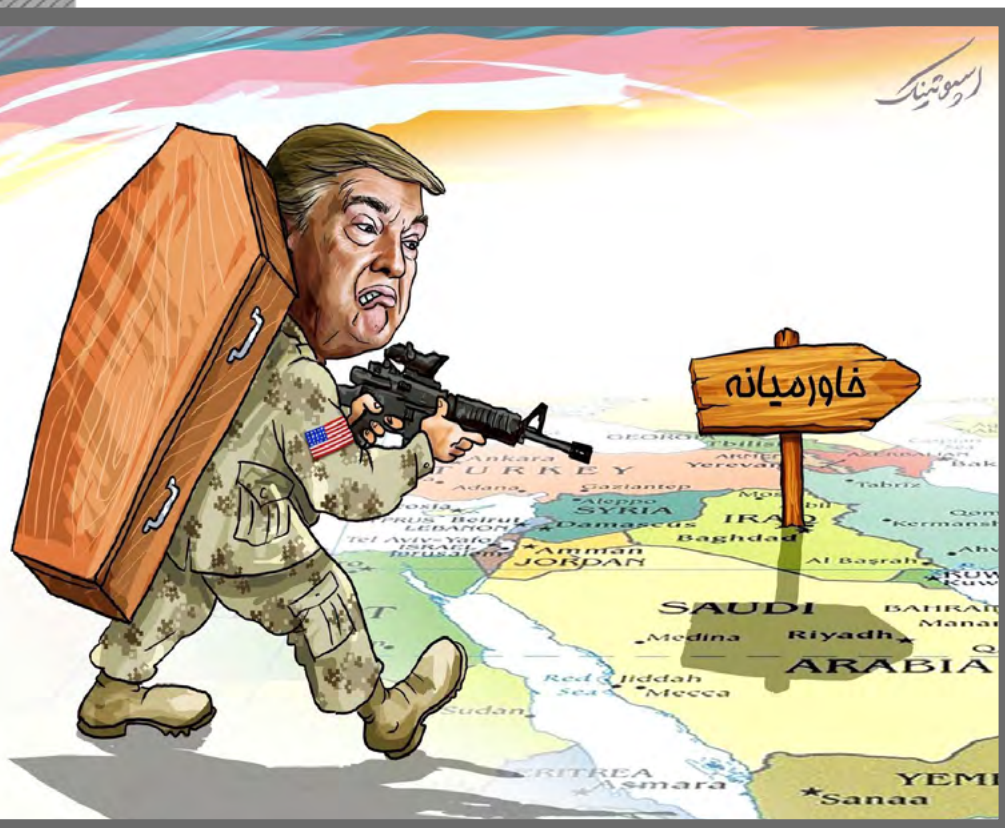
چهارم؛ طرح نهایی و قطعی جبهه مقاومت جدای از قصاص عملان و قاتلان، اخراج آمریکا از منطقه است: "خارج کردن آمریکا از منطقه، به یک شعار و به یک هدف اعلام شده و جدی تبدیل شده است که همه مردم منطقه باید برای آن تلاش کنند."

برخی از تحلیل‌ها این‌طور عنوان می‌کنند که عملیات انتقام در روزهای آخر ریاست جمهوری ترامپ، به ساعت صفر خود نزدیک می‌شود. بدیهی است که ترامپ با ترور حاج قاسم به دنبال امتیازگیری برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری بود و بدان دست پیدا نکرد و به قول سید حسن نصرالله از فردای ریاست جمهوری‌اش باید به فکر تأمین امنیت خودش باشد.

سردار قآنی فرمانده سپاه قدس در سالگرد شهادت حاج قاسم بیان کرد: "آنهایی که این کار را کردند بدانند کاری کردند که در سرتاسر عالم، هر کجا یک مردی پیدا شود، آمادگی دارد نامردهایی که این کار را کردند را به سزای عمل‌شان برسانند. با صراحت می‌گویم



که مسیر نیروی قدس و مقاومت با شیطنت‌هایی که آمریکا می‌کند، تغییری نمی‌کند اما با این جنایتی که کردند، برای همه آزادگان در دنیا کاری درست کردند و مطمئن باشند حتی از درون خانه‌شان ممکن است کسانی پیدا شوند که پاسخ جنایت‌شان را به آنها بدهند." بنابراین رویارویی و تقاص از قاتلان حاج قاسم به عملیات قطعی و مرموز مقاومت تبدیل گشته است. شخص آمر مشخص است و اجراکنندگان نیز در تیررس قرار دارند. این اتحاد و همبستگی داخلی جبهه مقاومت است که



با پشتوانه همراهی خون‌خواهان حاج قاسم در تدارک نبرد و انتقامی سخت قدم برداشته است. کلام را با این صحبت عبدالملک الحوثی، رهبر انصارالله یمن به پایان می‌بریم؛

"اگر امت اسلامی تصمیم به عدم رویارویی بگیرد همه چیز را می‌بازد. با جرأت، شجاعت و عزت در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی حاضر می‌شویم. ما در مرحله مهم و حساس جنگی که امت اسلامی با آن روبرو است به سر می‌بریم..."



ثروتمندان از امتحان الهی سرفراز بیرون بیایید

نامه به آقای سید مصطفی خمینی درباره رسیدگی به مستمندان قم

بسم الله الرحمن الرحيم؛

جناب نور چشمی، به قراری که مطلع شدم وضع فقرای قم بسیار بد است. این معنی اینجانب را کاملاً ناراحت کرده است؛ مع الأسف با وضع حاضر، آنطوری که باید و شاید نمی توانم به بندگان محترم خدای تعالی خدمت کنم. شما از قول من پس از اظهار تشکر از اشخاصی که کمک کردند، به اهالی محترم و ثروتمندان معزز تذکر دهید که خدای تعالی این روزها برای امتحان پیش می آورد. خوب است که از امتحان الهی سرفراز بیرون بیایید، و هر کس به مقدار مقدور خود به سادات محترم و سایر فقرا کمک کند.

اگر خدای نخواسته کسی

در این سرما تلف شود،

همه مسئول هستیم و از

انتقام خدای تعالی می

ترسم. والسلام علیکم

و علیهم و رحمة الله .

روح الله الموسوی الخمينی

قم ۱۳۴۲/۱۱/۱



جوزف از سنا تا پنتاگون

مروری بر سابقه سیاسی و مدیریتی بایدن

جوزف نامه

در این مجال در پی آن هستیم که یک معرفی اجمال از بایدن و سابقه سیاسی و مدیریتی و موضع گیری هایش در سیاست های آمریکا داشته باشیم. جوزف رابینت بایدن جونیور متولد ۱۹۴۲ در پنسیلوانیا است. وی وکیل و سیاست مدار آمریکایی از ایالت دلاویر است. اوفارغ التحصیل از دانشگاه دلاویر در رشته علوم سیاسی و تاریخ و دکترای وکالت از دانشگاه سیراکیوز است. بررسی حضور سیاسی بایدن در آمریکا به دلیل بخت بلندش و تعدد مدارک

معتبر دانشگاهی در حوزه های مختلف در آمریکا مشغول فعالیت بوده است. الف) مجلس سنا: بایدن به عنوان سناتور ایالت دلاویر از سال ۱۹۷۳ تا



۲۰۰۹ درسنا مشغول به کار بود. او در مدت ۳۶ سال فعالیت در سنا، نزدیک به ۴ سال به در کمیته روابط خارجی ۸ سال (از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵) هم به عنوان رئیس کمیته قضایی سنا فعالیت های ویژه ای انجام داد. از کارهای دیگری که وی در سنا آنها را دنبال کرد می توان به تلاش های وی در زمینه محیط زیست، حقوق مصرف کننده و لایحه پیشگیری از جرم (در سال ۲۰۱۹ این عمل خود را اشتباه بزرگ نامید) و... اشاره کرد.



ب) معاونت رئیس جمهور: بایدن از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ به عنوان **چهل و هفتمین معاون رئیس جمهور** انتخاب شد، کمک‌ها و ارتباط‌های وی با **اوباما** باعث شد که او **باما** در دوره ۸ ساله ریاست خود را مدیون **بایدن** بداند و **برای تجلیل از وی در ژانویه ۲۰۱۷ نشان افتخار آزادی رئیس جمهوری** را به **طور ممتاز به بایدن بدهد**. او در این دوران از طرح‌های افزایش حداقل دستمزد و زیرساختی دولت در سیاست داخلی و رفتن به سمت مذاکره در سیاست خارجی حمایت کرد. که البته در هر دو این حوزه‌ها موفقیت‌های بسیاری به دست آورد. ج) هیئت علمی دانشگاه: پس از دوره ۸ ساله معاون ریاست جمهوری **بایدن**

به عنوان هیئت علمی دانشگاه پنسیلوانیا سمت استادی در کرسی « بنجا مین فرانکلین در اعمال ریاست جمهوری » را پذیرفت. همچنین در این دانشگاه به تدریس سیاست خارجی، دیپلماسی و امنیت ملی



پرداخت. د) کاندیدای ریاست جمهوری: بایدن در واقع در سال‌های ۱۹۸۷ و ۲۰۰۸ تجربه کاندید شدن برای ریاست جمهوری را داشته که در هر یک از این سال‌ها بنا به دلایلی کنار رفته است ولی این بار در رقابت با ترامپ و به عنوان کاندید اصلی حزب دموکرات معرفی شد و با کسب ۳۰۶ رای الکترال ترامپ را شکست داد و کاخ سفید را به مدت ۴ سال تصاحب کرد. پیدر این بخش به برخی موضع گیری‌های بایدن می‌پردازیم؛ الف) سیاست داخلی: همانطور که در بخش‌های قبل هم



اشاره شد بایدن در مسئولیت‌هایی نظیر نمایندگی سنا و معاونت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش ایفا کرده است و بر طرح‌های افزایش مالیات بر سود سرمایه گذاران، رایگان‌سازی دانشگاه‌ها، توجه به دستمزد و ارتقاء زیرساخت‌های جاده‌ای و انرژی و... تاکید داشته است. (ب) سیاست خارجی: در رابطه با سیاست خارجی بایدن موضع‌گیری و حمایت‌ها و مخالفت‌های زیادی داشته است که گاهی به صورت اجرایی و گاهی هم به صورت پیشنهاد و سخنرانی از آنها یاد کرده است. که در ادامه به برخی از مواضع وی در رابطه با کشورهای مختلف می‌پردازیم. (۱) اسرائیل: بایدن در شبکه اول تلویزیون اسرائیل گفت: «... افتخار دارم



که بگویم من یک صهیونیست هستم و به صهیونیست بودن خود افتخار می‌کنم و به وجود اسرائیل و ملی‌گرایی یهودیان سخت پایبندم.» بایدن در یک سخنرانی دیگر می‌گوید: «اگر اسرائیل وجود نداشت ما برای دفاع از منافع مان چیزی شبیه به اسرائیل را ایجاد می‌کردیم؛ سه میلیارد دلار کمک به اسرائیل بهترین سرمایه‌گذاری است.» حمایت‌های فراوان بایدن از اسرائیل به حدی است که نماینده پیشین مجلس آمریکا می‌گوید: «بایدن نامزد اسرائیل است.» از این رو جامعه ایران باید این امر را مدنظر داشته باشد که شاید بایدن راجع به برجام نقل‌قول‌ها و اظهاراتی راجع به برگشت دارد اما حمایت وی از اسرائیل و پایبندی به منافع این رژیم امری است



مشخص و اگر توافقی هم حاصل شود منافع اسرائیل در آن محفوظ است. (۲) جمهوری اسلامی ایران: **بایدن در سیاست‌های آمریکا در قبال ایران همواره ریاکارانه برخورد کرده است هم از سویی با خروج از برجام و ترور شهید سردار سلیمانی مخالفت کرده است (البته همان طور که عرض شد در همه موارد صلاح اسرائیل را مدنظر داشته) و از سویی دیگر در موارد غیر برجامی مثل مسائل موشکی، منطقه و حقوق بشر کاملاً با ایران مخالف است.** به طوری که در قضیه نوید افکاری و امور مشابه آشکارا اذعان می‌کند که ایران را وادار به پاسخگویی می‌کند. (۳) عراق: **بایدن در جریان حمله به عراق از جمله کسانی بود که این اقدام را تایید کرد و به آن رای مثبت داد؛ همچنین در سال ۱۹۸۷ که دوران ریاست جمهوری ریگان بود طرحی مبنی بر فدرال کردن عراق و تقسیم این کشور به سه بخش شیعه، سنی و کرد ارائه داد که مورد موافقت مقامات قرار نگرفت.** (۴) **دیگر کشورها: بایدن با جنگ در خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ مخالفت کرد اما از سویی دیگر با مداخله آمریکا و ناتو در جنگ بوسنی (۱۹۹۴-۱۹۹۵)، گسترش ناتو و بمباران صربستان در جریان جنگ کوزوو و موافقت و دفاع کرد. این تنها گوشه‌ای از سابقه بایدن در سیاست آمریکا بود که به تناسب در این مجال بررسی شد.**



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

فتح؛ نشریه گفتمان انقلاب اسلامی | شماره ۱۹۴

سر دبیر: سید سجاد داودی

جانشین مدیر مسئول: محمد احسان پورصفا

مدیر مسئول: هادی ژیان

دبیر هیئت تحریریه: حسین محمدی

جانشین سر دبیر: مجتبی رفعت

محمد صالح شاه آبادی

محمد امین گزار

هیئت تحریریه: رضا رستمی

حمید رضا سلطانیان

احسان حسینی

FathISU.ir را در فضای مجازی دنبال کنید

